

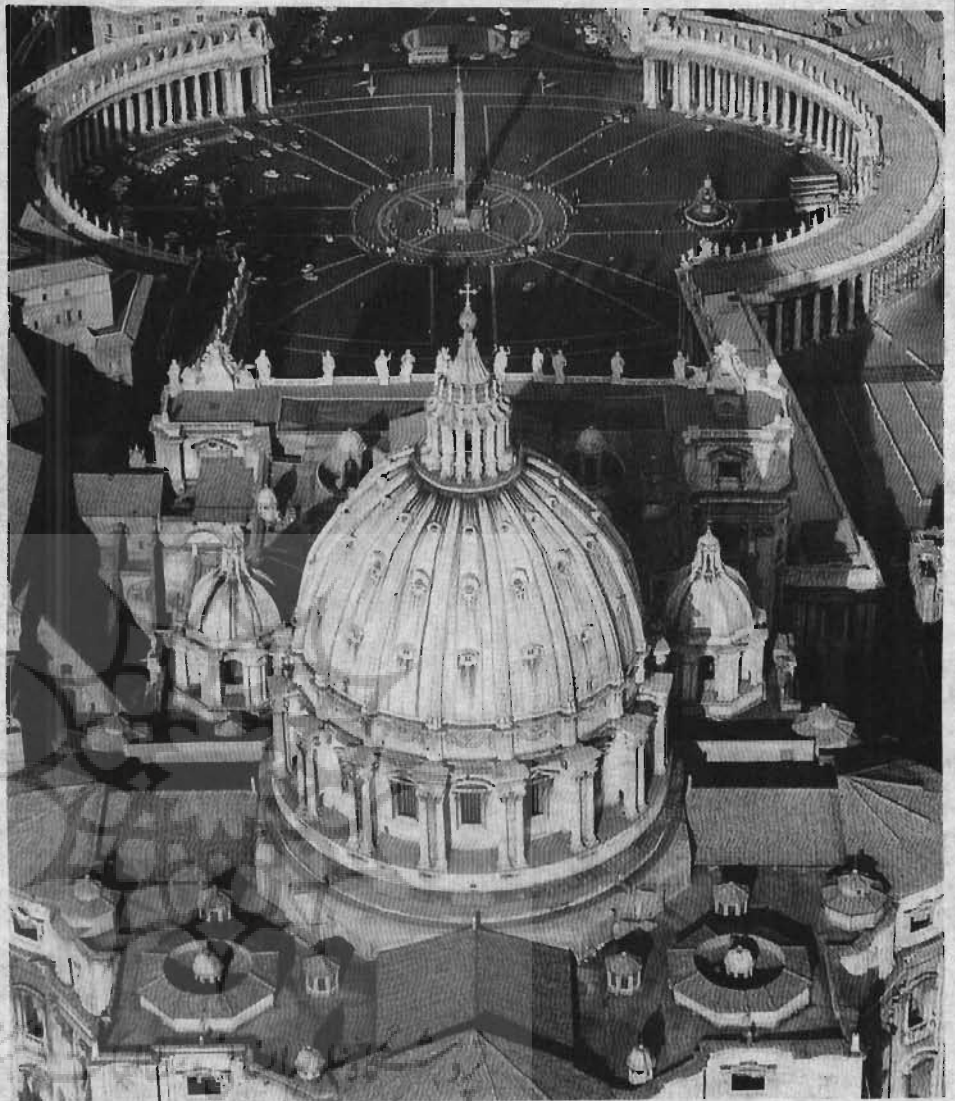
# سه گنبد شکوهمند

نوشته جولینو کارلو آرگان

باروک رومی نمایانگر یک آرمان مذهبی و سیاسی است، در حالی که باروک فرانسوی صرفاً نماینده یک آرمان سیاسی، و باروک انگلیسی نماینده یک آرمان شهری و اجتماعی است. تفاوت محتوای عقیدتی باروک انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی از طریق مقایسه‌ای میان سه گنبد معروف سان پیترو در رم، کلیسای سن لویی دز انوالید در پاریس و سنت پل در لندن به نحو حیرت‌انگیزی تصویر شده است. اولی آشکارا سنخ باستانی است. این گنبد با پیچ‌وناب تمثیلی گسترده‌ای که به توسط برنینی با پیروی از سلیقه معمارش میکل‌آنژ و با تصور هنری خود او از - تونبندیهای جانبی میدان سان پیترو یافته است قرار بود که تجسمی باشد از تمامیت کلیسایی، تصویری از سروری مسیحیت و گنبد فلک که از لحاظ آرمانی تمام جهان را زیر پر میگیرد. در طرح‌بندی برنینی دو جبهه این ستونبندی بسان بازوان پیکری هستند که سرش خود گنبد است.

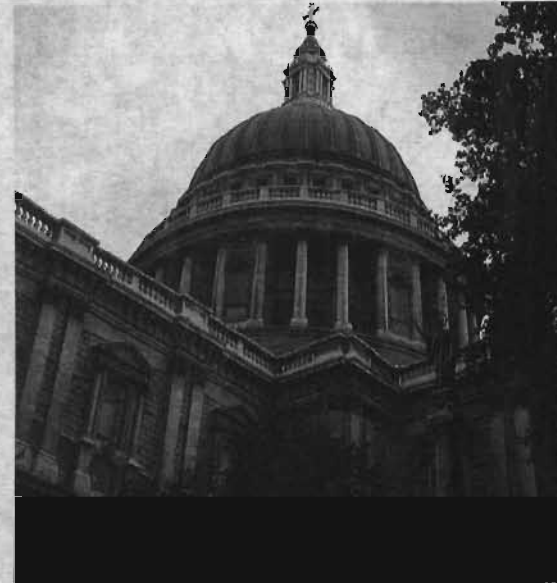
گنبد ژول اردکن مانسار در پاریس که بر یک ساقه گنبد دو قلو استقرار دارد، با نوعی تکروی شاهانه، بر فراز نمای مسطحی سرمی‌افزاید که به توسط ستونها به قابهایی هندسی تقسیم می‌شود؛ تونمندی و تزئین آراسته آن بر کل بنا مسلط است، بنایی که بر نظم معماری کاملی استوار است، به همانگونه که قدرت شاهانه متکی بر سلسله مراتبی از حاکمیت بود که خود در رأس آن قرار داشت.

گنبد کریستوفرین در لندن از طریق سباستیانوس رلیو، معمار ایتالیایی، مناسبتی با نقشه اصلی دوناو برامانته برای کلیسای سان پیترو دارد. این گنبد بر بنای عالی گسترده‌ای استقرار دارد که با گنبد چنان مفصل‌بندی اندکی دارد که شالوده‌ای استوانه‌ای را ضروری می‌سازد. این گنبد همانند بنایی است که با بنای دیگری یکی شده باشد و فقط به توسط ظرافت سبک‌یافته ساقه گنبد و انحناهای خود گنبد با آن تمایز می‌یابد. این گنبد بیشتر یک نماد است تا یک تصور ذهنی از قدرت؛ و کارکرد آن صرفاً صوری است، درست همانند پادشاه در ساختار سیاسی اواخر قرن هفدهم انگلستان. بی‌آنکه بخواهیم تا آنجا پیش برویم که در آن یک استعاره سیاسی عمدی را بچویم باید به یاد داشته باشیم که یک گنبد بنا به سنت نمادی از اقتدار یا قدرت است و دیگر اینکه چنین هدفی سیاسی بی‌تردید در گنبد میکل‌آنژ هست و الهام‌بخش گنبد‌های مانسارورین نیز شده است. ■



کلیسای سان پیترو، رم، با ستون‌بندی طراحی شده به توسط برنینی که میدان را دو بازوی جانبی کرده است.

رتال جامع علوم انسانی  
کلیسای سن لویی دز انوالید، پاریس



کلیسای جامع سنت پل، لندن

جولینو کارلو آرگان، اصلاً ایتالیایی و تاریخ‌نگار هنر و استاد دانشگاه رم است و از ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ شهردار رم بوده است. او نویسنده چندین اثر درباره تاریخ هنر، نقشه‌کشی شهری و روشهای نقد است. از جمله کتابی به نام تغیل و یقین که این مقاله از آن برداشته شده است و نیز باروک (۱۹۸۷) و شهر رنسانسی (برازیلر، نیویورک ۱۹۶۹).